



ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

۱

درس

سوالات امتحانی درس

قلمرو زبانی

معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

- ۱- به نام چاشنی بخشی زبان‌ها
- ۲- حلاوت سنج معنی در بیان‌ها
- ۳- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
- ۴- همه ادب‌ها اقبال گردد
- ۵- اگر لطفش قرین حال گردد
- ۶- بماند تا ابد در تیره‌رایی
- ۷- فروماند در لطف و صنع خدای
- ۸- در این بود درویش شوریده‌رنگ
- ۹- شغال نگون بخت را شیر خورد
- ۱۰- که روزی رسان قوت روزش بداد
- ۱۱- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۱۲- که روزی نخوردند پیلان به زور
- ۱۳- زنخدان فرو برد چندی به جیب
- ۱۴- نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
- ۱۵- برو شیر دژنده باش، ای دَغَل
- ۱۶- چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

با توجه به معانی داده شده، یک واژه مناسب از متن درس بیابید.

- ۱۷- آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد:
- ۱۸- نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد:
- ۱۹- اندیشه کردن در عاقبت کار:
- ۲۰- دست و پای از کار افتاده:

معنی واژگان زیر را بنویسید.

- ۲۱- حمیت:
- ۲۲- دون همت:
- ۲۳- گران:
- ۲۴- فروماندن:

برای هر یک از واژگان زیر یک هم‌خانواده یا یک هم‌ریشه بنویسید.

- ۲۵- غایب:
- ۲۶- تدبیر:
- ۲۷- روش:
- ۲۸- احزان:

غلط‌های املائی را در بیت‌های زیر مشخص کنید و درست آنها را بنویسید.

- ۲۹- گریه شام و سحر شکر که ضایه نگشت
- ۳۰- دگر روز باز اتفاغ اوفتاد
- ۳۱- به گوش ارقوان آهسته گفتم
- ۳۲- معیار دوستان دغل روز حاجت است
- ۳۳- فخری که از وسیلت دون همتی رسد
- ۳۴- قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- ۳۵- که روزی رسان قوت روزش بداد
- ۳۶- بهارت خوش که فکر دیگرانی
- ۳۷- غرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
- ۳۸- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، آر دار

روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.

- ۳۴- بهار و فصل:
- ۳۵- عبادت و بنده:
- ۳۶- اقبال و ادبار:
- ۳۷- نژند و اندوهگین:

۳۸- با واژه «گرفت» در معانی متعدد چهار جمله بسازید.

۳۹- جدول زیر را با استفاده از واژه‌های داده‌شده کامل کنید.

«بی‌دست‌وپا - وامانده - نگون‌بخت - محراب - نابسته - مور - حلاوت‌سنج - تیره‌رای»

غیرساده			ساده
وندی - مرگب	مرگب	وندی	
.....
.....

♦ در هر یک از بیت‌های زیر هسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

- ۴۰- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۴۱- بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۴۲- چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- که سعیت بود در ترازوی خویش
 نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 ز دیوار محرابش آمد به گوش

♦ در هر یک از بیت‌های زیر نوع وابسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

- ۴۳- بلند آن سر، که او خواهد بلندش
 ۴۴- در نابسته احسان گشاده‌ست
 ۴۵- به ترتیبی نهاده وضع عالم
- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست
 که نی یک موی باشد بیش و نی کم

♦ هر یک از بیت‌های زیر چند جمله دارد؟

- ۴۶- بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۴۷- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۴۸- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 که سعیت بود در ترازوی خویش
 شد و تکیه بر آفریننده کرد

قلمرو ادبی

♦ «استعاره» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

- ۴۹- به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
 ۵۰- کسی نیک بیند به هر دو سرای
- حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
 که نیکی رساند به خلق خدای

♦ در هر یک از بیت‌های زیر کنایه‌ها و مفهوم آنها را بنویسید.

- ۵۱- بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۵۲- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 ۵۳- در این بود درویش شوریده‌رنگ
- نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 شد و تکیه بر آفریننده کرد
 که شیری برآمد، شغالی به چنگ

♦ «تلمیح» به کار رفته در ابیات زیر را بنویسید.

- ۵۴- بلند آن سر، که او خواهد بلندش
 ۵۵- در نابسته احسان گشاده‌ست
 ۵۶- یکی روبهی دید بی‌دست‌وپای
 ۵۷- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۵۸- به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
 فروماند در لطف و صنع خدای
 که سعیت بود در ترازوی خویش
 حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

♦ قالب هر یک از شعرهای زیر را بنویسید.

- ۵۹- «لطف خدا»:
 ۶۰- «نیکی»:

◆ قلمرو فکری ◆

◆ معنای بیت‌های زیر را بنویسید.

به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست
که نی یک موی باشد بیش و نی کم
همه ادبارها اقبال گردد
نه از تدبیر کار آید نه از رای
که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
ز دیوار محرابش آمد به گوش
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۶۱- در ناپسته احسان گشاده‌ست
۶۲- به ترتیبی نهاده وضع عالم
۶۳- اگر لطفش قرین حال گردد
۶۴- وگر توفیق او یکسو نهد پای
۶۵- زرخدان فرو برد چندی به جیب
۶۶- چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
۶۷- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

◆ مفهوم هر یک از موارد زیر را بنویسید.

۶۸- برو شیر دژنده باش، ای دَغَل
۶۹- بخور تا توانی به بازوی خویش
۷۰- کسی نیک بیند به هر دو سرای
۷۱- موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»
مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

◆ تاریخ ادبیات ◆

◆ نویسنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

۷۲- بهارستان:

۷۳- فرهاد و شیرین:

۷۴- بوستان:

◆ سراینده هر یک از بیت‌های زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

۷۵- فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
۷۶- صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب
۷۷- معیار دوستان دغل روز حاجت است
۷۸- به گوش ارغون آهسته گفتم

گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
بهارت خوش که فکر دیگرانی

(اوحدی) صائب تبریزی ()
(سعدی) مولوی ()
(حافظ) صائب ()
(رشید یاسمی) فریدون مشیری ()

◆ پاسخ سؤالات امتحانی درس ◆

- ۱- چاشنی: مزه، طعم
- ۲- حلاوت: شیرینی
- ۳- نژند: خوار و زبون، اندوهگین
- ۴- ادبار: نگون‌بختی، پشت کردن
- ۵- قرین: همنشین، همراه
- ۶- تیره‌رایی: بداندیشی، ناراستی
- ۷- صنع: آفریدن، آفرینش، کار
- ۸- شوریده‌رنگ: آشفته‌حال
- ۹- نگون‌بخت: بدبخت
- ۱۰- قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا
- ۱۱- یقین: بدون شک / دیده: مشاهده‌شده
- ۱۲- پیلان: فیل‌ها
- ۱۳- زرخدان: چانه / جیب: گریبان، یقه
- ۱۴- تیمار: غم، تیمار خوردن: غمخواری
- ۱۵- دغل: مکر و ناراستی؛ در اینجا مکار و تنبل
- ۱۶- وامانده: باقی‌مانده، بقیه غذا
- ۱۷- توفیق
- ۱۸- چنگ
- ۱۹- تدبیر
- ۲۰- شل

- ۲۱- حَمِيَّت: غیرت، جوانمردی، مردانگی
- ۲۲- دُونِ هَمَّت: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه
- ۲۳- گران: سنگین
- ۲۴- فروماندن: متحیر شدن
- ۲۵- غیبت
- ۲۶- مدبّر
- ۲۷- رفتار
- ۲۸- محزون
- ۲۹- ضایع < ضایع
- ۳۰- اتّفاغ < اتّفاق
- ۳۱- ارقوان < ارغوان
- ۳۲- غرضی < فرضی
- ۳۳- آر < عار
- ۳۴- تَضَمَّن
- ۳۵- تناسب
- ۳۶- تضاد
- ۳۷- ترداد
- ۳۸- (۱) خورشید گرفت. (۲) دلم از رفتار شما گرفت. (۳) عضلات پایم گرفت. (۴) او تمام وسایلش را گرفت.
- ۳۹-
- | غیرساده | | | ساده |
|---------|-----------|-------------|-------|
| وندى | مرگب | وندى - مرگب | |
| وامانده | نگون بخت | بی‌دست‌وپا | محراب |
| نابسته | حلاوت‌سنج | تیره‌رایی | مور |
- ۴۰- بازو، سعی، ترازو
- ۴۱- دست (در هر دو مصراع)
- ۴۲- صبر، دیوار
- ۴۳- «آن» در هر دو مصراع وابسته پیشین (صفت اشاره)
- ۴۴- نابسته: صفت / احسان: مضاف‌الیه / هر: صفت مبهم
- ۴۵- عالم: مضاف‌الیه / یک: صفت شمارشی
- ۴۶- چهار جمله: بگير دست درویش پير (۱) / ای جوان (۲) / نه خود را بیفکن (۳) / دستم بگیر (۴)
- ۴۷- سه جمله: بخور (۱) / تا توانی به بازوی خویش (۲) / که سعیت بود در ترازوی خویش (۳)
- ۴۸- چهار جمله: یقین (۱) مرد را دیده، بیننده کرد (۲) / شد (۳) / و تکیه بر آفریننده کرد (۴)
- ۴۹- چاشنی < استمه(ره)از < سخن زیبا
- ۵۰- دو سرای < استمه(ره)از < دنیا و آخرت
- ۵۱- دست گرفتن < کنایه از < یاری کردن

- ۵۲- تکیه کردن < کنایه از < توکل / بیننده < کنایه از < آگاه
- ۵۳- شوریده رنگی < کنایه از < آشفتگی
- ۵۴- اشاره به آیه «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مِنْ تَشَاءُ» (هر که را بخواهد عزّت می‌دهد و هر که را بخواهد خوار می‌کند): تلمیح
- ۵۵- اشاره به آیه «اللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (خدا هر کس را که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد). (آل عمران / ۳۷): تلمیح
- ۵۶- اشاره به آیه «اللّٰهُ لَطِيفٌ بَعْبَادِهِ» (خداوند نسبت به بندگانش با مهر و لطف رفتار می‌کند). (شوری / ۱۹): تلمیح
- ۵۷- اشاره به آیه «وَ اَنْ لَيْسَ لِلانسانِ اِلَّا مَا سَعَى» (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست). (النجم / ۳۹): تلمیح
- ۵۸- اشاره به آیه «عَلِمَهُ الْبَيَانُ» (به او (انسان) بیان آموخت). (سورة الرَّحْمٰن / آیه ۴): تلمیح
- ۵۹- مثنوی
- ۶۰- مثنوی
- ۶۱- در نیکوکاری و احسان را که هیچ‌گاه بسته نمی‌شود، باز کرده و به هر کس آنچه لازم بوده، بخشیده است.
- ۶۲- عالم هستی را به گونه‌ای آفریده است که نه کوچک‌ترین چیزی از آن کم است و نه زیاد.
- ۶۳- اگر لطف و مهربانی خدا همراه حال انسان شود و با انسان همراه باشد، تمامی بدبختی‌ها به خوشبختی تبدیل می‌شود.
- ۶۴- اگر توفیق و توجه خدا نباشد (شامل حال کسی نشود)، کاری از دست عقل و تدبیر و اندیشه بر نمی‌آید.
- ۶۵- مدّتی گوشه‌نشینی کرد، [و کاری انجام نداد] به انتظار اینکه خداوند روزی بخش از عالم غیب به او روزی بدهد.
- ۶۶- وقتی که از ضعف و بی‌هوشی، صبر و طاقتش تمام شد، ندایی غیبی به گوشش رسید.
- ۶۷- آن چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران چیزی بماند، نه اینکه مانند روباه با باقی‌مانده غذای دیگران سیر شوی.
- ۶۸- دعوت به تلاش و قدرتمندی و ترک ضعف و گوشه‌نشینی
- ۶۹- دعوت به تلاش و خودکفایی
- ۷۰- نتیجه نیکی به خلق، نیکی دیدن در دو جهان است.
- ۷۱- بلندی همت و مردانگی
- ۷۲- جامی
- ۷۳- وحشی بافقی
- ۷۴- سعدی
- ۷۵- اوحدی
- ۷۶- مولوی
- ۷۷- صائب
- ۷۸- فریدون مشیری